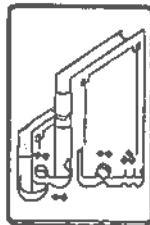


به نام خدا

نهایت عشق

نویسنده

لیلا افشار



افشار، لیلا، ۱۳۶۴-

نهایت عشق / لیلا افشار. - تهران: شقایق، ۱۳۸۴.
۳۰۸ ص.

ISBN 964-7928-44-0

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

۱. داستانهای فارسی --- قرن ۱۴. الف. عنوان.

۸۶ ۳/۶۲

۹ ن ۵۵۵ ف/ ۷۹۵۳ PIR.

۱۳۸۴

۳۲۵۸۳ - ۸۴ م

کتابخانه ملی ایران



نهایت عشق

لیلا افشار

چاپ اول ۱۳۸۴

حروفچینی یسنا

چاپ پیک ایران

تیراژ ۳۳۰۰ نسخه

شابک ۹۶۴-۷۹۲۸-۴۴-۰ ISBN 964-7928-44-0

خیابان انقلاب - خ فخر رازی - پلاک ۱۰۳.

تلفن ۶۶۴۰۳۲۹۹-۶۶۴۹۶۸۲۸ فاکس ۶۶۴۹۶۶۹۲

مقدمه:

زورقی بشکسته بودم پای در موج بلا

عشق تو من را ز طوفان بلا کرد رها

آتش عشق تو سوزاند تمام هستی‌ام

هستی‌ام نیست شد و هست شد نیستی‌ام

چه بیهوده کاری است نشستن و گفتن. ثانیه‌ها را به خدمت واژه‌ها

گرفتن و کاغذهای سفید را خط خطی کردن.

من هنوز رفتن را نمی‌شناسم، حتی یک قدم هم بر تن جاده نسائیده‌ام.

من هنوز نه پروانه‌ها را می‌شناسم و نه کبوتران را. من این جایم.

نه به آبی‌ترین آسمان رسیده‌ام و نه به بی‌رنگ‌ترین دریا. من هنوز در بند

واژه‌هایم. هر چه می‌گویم مرایشتر به عذاب‌رهایمی مبتلا می‌سازند. فکر

می‌کنم پیش از این هم گفته‌ام که خواهم رفت!!

غروب است! یک غروب آرام و دل‌تنگ. امروز هم تمام شد و من

هنوز این جایم و بر تن سفید کاغذها خطوط دل‌تنگی‌ام را می‌نگارم، ولی

نه، فردا، فردا بی‌تردید خواهم رفت.

می‌روم به اوج؛ می‌روم تا نهایت عشق. شاید آن جا مکانی را بیابم تا در آن لحظه‌ای به آن آرامش جاودانه برسم. به آن گمشده‌ای که سالهاست بی نتیجه در جست و جویش کوچه پس کوچه‌های دلتنگی را طی کرده‌ام. بادو بال شکسته پر خواهم زد و همچون پرستوهای مهاجر به شهر زیبای عشق پر خواهم کشید.

آری اینک این منم با کوله باری از خاطرات تلخ و شیرین و با امید به فردایی که شاید هرگز نیاید. این منم وزیر لب می‌گویم:

«فردا خواهم رفت»

سمیه نعمت‌پور